

حق طبع در کتب چاپ سنگی

صدیقه سلطانیفر^۱

چکیده

کتاب‌های چاپ سنگی آغاز دوره دوم چاپ در ایران، پس از چاپ سربی اولیه، محسوب می‌شوند. این منابع ارزشمند حاوی اطلاعات گران‌قیمتی هستند که لازم است مورد تحقیق و تفحص بیشتر علاقه‌مندان به این گونه آثار قرار گیرد. مقاله حاضر با بررسی موردی کتاب‌های چاپ سنگی به تاریخچه پیدایش حق طبع در ایران می‌پردازد. "حق طبع حقی است که به موجب آن تجدید چاپ کتاب، بدون اجازه ناشر یا مؤلف امکان‌پذیر نخواهد بود". نتایج این تحقیق در بررسی نسخه‌های چاپ سنگی نشان می‌دهد که حق طبع مجدد کتاب به وسیله ناشر (چاپچی) ابتدا از سوی خود وی با روش‌های گوناگون مانند محدودیت‌های شرعی یا عرفی با اعلان در این نسخ به اطلاع عموم می‌رسید. سپس این حق مسلم ناشر یا مؤلف به صورت اطلاعیه رسمی با انحصار قانونی از سوی دولت و تعیین زمان حصر و امضا و مهر وزیر وقت در ابتدا یا انتهای نسخه‌های چاپ سنگی چاپ می‌شد. توجه به تاریخ چاپ این نسخ، مبین نیاز به تجدیدنظر اساسی در خصوص تاریخچه حق مؤلف و حق طبع در ایران در منابع موجود است.

کلیدواژه‌ها

چاپ سنگی، کتاب، حق مؤلف

حق طبع یا حق مؤلف

حق طبع یا حق مؤلف، حق انحصاری بهره‌برداری از یک اثر ادبی یا هنری یا علمی برای "مؤلف" (ایجادکننده) آن، یا برای کسی

است که مؤلف این حق را به وی واگذار کرده باشد. این حق برطبق قانون اعطا می‌شود، و مدت و شرایط (و نیز شمول) آن در کشورهای مختلف بستگی به قوانین حق

۱. عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

طبع در این کشورها دارد. به هر حال، هدف این قوانین حمایت از مالکیت مؤلف است نسبت به اثر ابتکاری وی.

در ایران، قانون مجازات عمومی متضمن موادی (۲۴۵-۲۴۸) ناظر به حقوق مؤلفان است که این منظور را تأمین نمی‌کند، مثلاً برای کسی که تصنیف یا تألیف دیگری را (اعم از کتاب، رساله، نقشه، تصویر، و مانند آن) به اسم خود یا به اسم شخص دیگر، غیر از مؤلف، چاپ کند غرامتی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان مقرر شده است. در سال ۱۳۳۶ ش. دولت، طرحی قانونی برای حفظ حقوق مؤلف تهیه و تسلیم مراجع مقننه کرد. از طرف دیگر، به سبب احتیاج مبرم کشور به ترجمه کتاب‌های خارجی، مسئله پیوستن ایران به قراردادهای مختلف بین‌المللی نیز در آن مطرح بود (۳: ج ۱، ص ۸۵۷-۸۵۸).

حق مؤلف در ایران چنین تعریف شده است: "امتیاز و حق انحصاری بهره‌برداری و فروش یک اثر است که به وسیله دولت به یک نویسنده، آهنگ‌ساز، و جز آن و وارثان آنها اعطا می‌شود، به نحوی که می‌توانند هر بار که اثر چاپ می‌شود حق تألیف آن را دریافت کنند و هیچ کس بدون اجازه مؤلف یا وارثان او حق چاپ و استفاده از اثر را نداشته باشد." قانون حق مؤلف در ایران در سال ۱۳۴۸ وضع شد (۴: ذیل "حق مؤلف").

حق مؤلف در ایران

در ایران در باب حق مؤلف دو قانون وجود دارد، که تاریخ تصویب هر دو به آخرین دهه دوران پهلوی باز می‌گردد. یکی

"قانون حمایت از حقوق مؤلفان"، مصوب ۳ آذر ۱۳۴۸ است و دیگری "قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی" مصوب ۶ دی ۱۳۵۲ و هر دو قانون مبتنی بر الگوهای اروپایی است (۱: ج ۱، ص ۷۶۱).

بررسی نسخه‌های چاپ سنگی نشان می‌دهد که اختصاص حق طبع مجدد کتاب به بانی و ناشر نموده‌های گوناگونی داشته است. به نظر می‌رسد اعطای این امتیاز به متولیان چاپ، رسماً پس از انتصاب محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه به سمت وزارت انطباعات (۱۳۰۰ ق.) مطرح و به مثابه یک قانون لازم‌الاطباع اجرا شده است (۲: ۵۲۱).

مروری بر نسخه‌های منتشر شده پیش از تاریخ مذکور، این نکته را روشن می‌سازد که انتشار مجدد نسخه‌های مصحح و منقح از سوی سودجویان به علت عدم وجود مراجع قانونی امری رایج بوده است و بانیان چاپ، که گاه برای تصحیح نسخه‌ای، سالیانی را در رنج و مشقت سپری می‌کردند، با پشتوانه‌ای قانونی مورد حمایت قرار نمی‌گرفتند، بنابراین طی اعلاناتی کتبی، در ابتدا و یا انتهای نسخه، سودجویان را به مؤاخذه شرعی و عرفی و اضرار اقتصادی تهدید می‌کردند. نمونه‌های ذیل شاهد بر این مدعا است:

- کَشکول شیخ بهایی به کتابت محمد صادق بن محمدامین الخوانساری و به سعی و اهتمام عبدالغفار بن علی محمد نجم‌الدوله. این نسخه در تهران به سال ۱۲۹۶ قمری چاپ سنگی شده است. حق طبع در این نسخه در حاشیه صفحه عنوان به صورت "اعلان" به شرح زیر آمده است: (پیوست ۱)

که از کشف‌الایات آیات قرآنی درست بدست نیاید و لابد بقیمت‌های نازل می‌فروشند و طالب چندان هم ندارد و بی‌ثمر مانده، دور نیست که باز هم درصدد طبع نسخه دیگر آن باشند. لهذا لازم شد در این مورد خدمت آقایان عرض نمایم که حکم این کشکول غیر از آن کلام‌الله است. الان این کتاب متعلق شده است بصغار ورثه آن مرحوم و مدت هفت‌سال عمر عزیز مصروف آن گردیده و مخارج کلی در راه آن نموده شد. پس یقین است که هر گاه احدی بان مقصد حرکت کند و بخواهد نسخه از این وری برداشته طبع نماید و مورث؟ ضرر و خسارت صغیر شود با ملاحظه آنکه غدغن است و ممنوع و مورد مؤاخذه خواهد شد خیر و برکت از مال و جان خویش نخواهد بود و خلاف شرع و عرف حرکت نموده و علاوه بر آن اگر وقتی اتفاقاً چنان واقعه رخ نمود ناچار همان معامله را که در سال ۱۲۸۹ مرحوم منجم‌باشی تقویم نمود و نیم بها قیمة نهاد حقیر در عمل این کشکول خواهد نمود».

«مهر نجم الملک»

و یا در نسخه مجمع‌الفصحاء، رضا قلیخان هدایت که با مقابله و تصحیح محمدصادق متخلص به روشن، و کتابت میرزا آقای کمرئی که در تهران به سعی علیقلی مخبرالدوله، وزیر تلگراف، در کارخانه میر محمدباقر به سال ۱۲۹۵ ق. به چاپ رسیده است حق طبع قبل از شروع متن اصلی و بعد از فهرست مطالب به شرح زیر آمده است: (پیوست ۲)
«جماعت کتاب‌فروش و باسمه‌چیان



مخفی نماند که چون رسم مردم در این زمان چنان شده که هرگاه شخصی زحمتی کشید و نسخه ترتیب داد و کمال جد و جهد را در تصحیح آن بعمل آورد و بالجمله نسخه مرغوب شده طالب بهمرسانید و چند جلد آن بشیرینی فروش رفت فوراً بدون دقت و تصحیح از روی آن نسخه بعینها نوشته بچاپ می‌رسانند و این نسخه را باز کمافی‌السابق غیر منتفع بما می‌نمایند. مثل آنکه در سال ۱۲۸۱ مرحوم مغفور منجم‌باشی کلام‌اللهی بانضمام کشف‌الایات با دقت تمام بطبع رسانیدند که نظیر نداشت و قواعد کشف‌الایات آنرا حقیر از نسخه اصل فرنگی ترجمه نموده بود، بعد از آن در این سنوات چندین نسخه از روی آن بطبع رسانیده‌اند مغلوط و معیوب بقسمی



مجمع الفصحاء ۱۱۲۹۶ (بیست و نه)

میرزا آقا کمربتی".
 پس از تشکیل وزارت انطباعات و انتصاب
 اعتماد السلطنه به تصدی این وزارتخانه تازه
 تأسیس، اغلب کتاب‌های منتشر شده در
 اوایل قرن ۱۴ ق. دارای اعلان رسمی این
 وزارتخانه در خصوص اختصاص حق طبع به
 ناشر و مهر اعتماد السلطنه هستند. متن این
 اعلان‌ها و مدت زمان امتیاز این حق برای
 بانیان چاپ (ناشران) در کتاب‌های گوناگون
 متفاوت است. به نمونه‌های ذیل توجه کنید:
 - کتاب الصلوة شیخ مرتضی انصاری،
 کتابت احمد بن حسین التفرشی المطاوی، به سعی
 و اهتمام موسی النوری، حسین الکجوری در
 تهران به سال ۱۳۰۵ ق. به چاپ رسیده است.
 حق طبع در این نسخه در حاشیه انتهایی

فصلنامه کتاب



دارالخلافه ناصره را مخصوصاً و اهالی ممالک
 محروسه را که بطبع کتابهای عربی و فارسی
 قدیم و جدید اشتغال دارند عموماً اعلان و
 اخبار می‌شود که طبع کتاب مستطاب تذکره
 موسوم بمجمع الفصحاء مختص جناب
 جلالت‌مآب بندگان مخبرالدوله وزیر تلگراف
 و دولت العلیه‌العالیه دام اقباله است واحدی
 را جز بندگان جناب معزی‌الیه ابداً رخصت
 اقدام و اجازه ارتکاب این عمل نیست،
 چنانچه کسی دخیل و مباشر این کار گردد
 مورد مسئولیت و مؤاخذه خواهد بود و
 جهة اطلاع و استحضار قاطبه انام در مقام
 اعلام برآمد والسلام من التبع الهدی» حرره

کتاب به شرح زیر می‌باشد: (پیوست ۳)
 "چون نسخه شریفه الصلوة از تصنیفات
 مستغرق بحار رحمت‌باری شیخنا المرتضی
 الانصاری طاب ثراه تاکنون بطبع نرسیده و
 بانی طبع آن زحمتی در تحصیل و تصحیح
 و طبع آن کشیده، لهذا از طرف وزارت
 انطباعات قدغن میشود که از این تاریخ تا
 مدت شش سال احدیرا حق طبع آن نیست
 و اقدام نکنند که امضاء و اجازه داده نخواهد
 شد شهر رمضان ۱۳۰۵" مُهر اعتمادالسلطنه.
 - شرح حکمة الاشراق شهاب‌الدین
 السهروردی از محمود قطب‌الدین شیرازی
 تصحیح اسدالله بن محمدحسن الیزدی مشهور
 به هراتی، کتابت محمدبن عبدالعلی الدرجزینی،
 به سعی و اهتمام اسدالله بن محمدحسن یزدی
 مشهور به هراتی و ابراهیم تاجر طباطبایی در

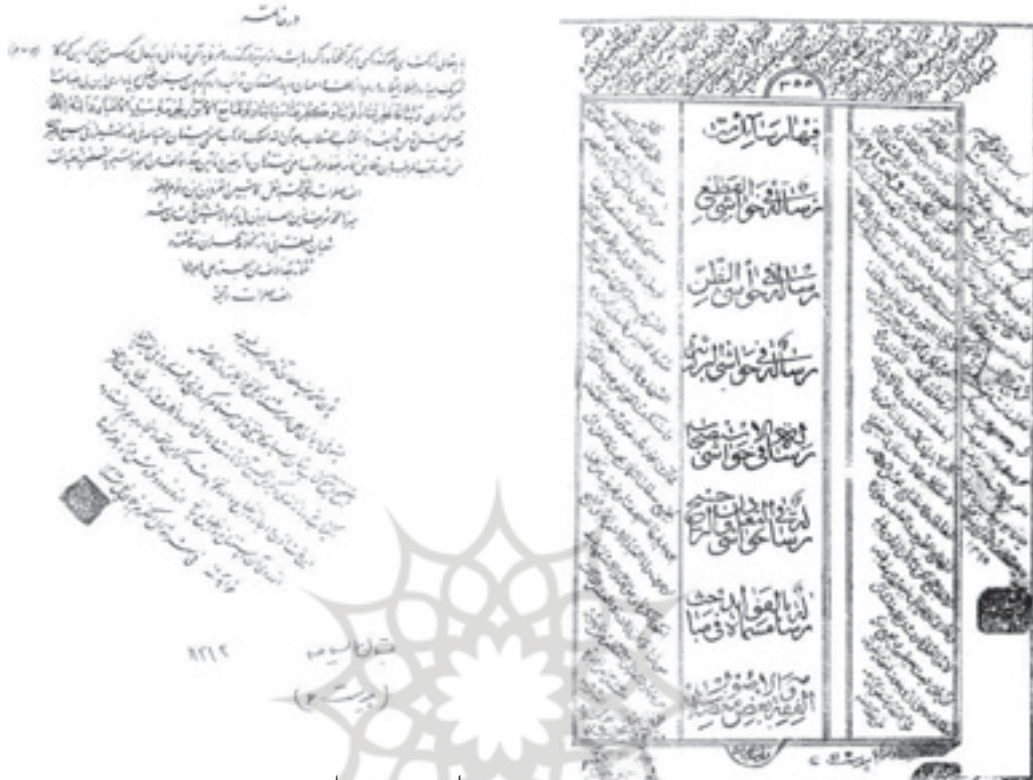
تهران به سال‌های ۱۳۱۳ قمری تا ۱۳۱۶ قمری
 به چاپ رسیده است. حق طبع در این نسخه
 در انتهای کتاب و در حاشیه صفحه ۵۶۵ به
 شرح زیر می‌باشد: (پیوست ۴)

"چون در تمام دول رسم و معمول است
 که هر کس مخترع فنی و بانی انکشاف علم
 یا صنعتی می‌شود تا مدتی اختیار آن عمل با
 خود شخص مخترع و بانی است. لهذا نسخه
 شریف کتاب شرح حکمة الاشراق
 للفاضل المحقق والتحریر المدقق و
 زبدة الحکماء المتألهین محمودبن مسعود
 المشهور بقطب‌الدین شیرازی طاب ثراه تاکنون
 طبع نشده و نایاب بود. این اوقات جناب
 سلاله الاطیاب زبده دودمان احمدی حاجی
 سیدابراهیم تاجر طباطبایی زادالله توفیقاته بانی
 طبع این نسخه شده‌اند، از حالتحریر تا ده
 سال بی اجازه معزی‌الیه احدی حق طبع ندارد
 چنانچه تخلف نمایند مورد مؤاخذه خواهند
 بود فی شهر جمادی‌الاولی مطابق نیچی‌ئیل
 سنه ۱۳۱۴" مُهر اعتمادالسلطنه.

- حاشیه علی‌الفرائد الاصول مرتضی
 انصاری مصحح احمدالکرمانی اصفهانی،
 احمد شیرازی، حاشیه‌نویس محمدکاظم
 الطوسی الخراسانی ابن حسین الهروی کاتب
 محمدالکرمانی در طهران به سعی و اهتمام
 احمد کرمانی اصفهانی و احمد شیرازی به
 سال ۱۳۱۵ قمری به چاپ رسیده است.
 حق طبع در این نسخه در حاشیه صفحه
 انتهایی به شرح زیر چاپ شده است:
 (پیوست ۵)

"از جانب وزارت انطباعات قدغن اکید
 می‌شود که جناب حجة الاسلام آخوند





چاپ رسیده است.

حق طبع در این نسخه در انتهای کتاب به شرح زیر می باشد: (پیوست ۶)
 "چون معتمد السلطان آقامیرزا سید عبدالله مستوفی دیوان اعلی و سررشته دار کل خزانه عامره در نگارش و تصحیح و تنقیح کتاب بستان السیاحه کما ینبغی بذل اهتمام کرده و رنج وافر برده و فی الحقیقه احياء این کتاب نموده اند احدی دیگر حق طبع آنرا تا مدت ده سال ندارد و از طرف وزارت انطباعات در ظرف این مدت اذن و اجازه انطباعات نخواهد شد و اگر این نسخه را بخارجه هم فرستاده از روی آن استنساخ و انطباعات از ورود و فروش در داخله ممنوع خواهد شد. فی شهر شوال المکرم ثیلان ثیل سنه

ملا محمد کاظم خراسانی دام فضالة العالی که تازه بطبع رسیده است. از تاریخ ذیل تا دو سال دیگر احدی از داخله در هر نقطه از بلاد ایران حق طبع آن را ندارد چنانچه کسی در ظرف این مدت متصدی طبع آن شود یا در خارجه طبع نموده بممالک محروسه وارد سازد مطبوعات داخله و محمولات خارجه کلیه ضبط دیوان اعلای و مرتکب آن مجازات و سیاست خواهد شد. فی غره شهر رمضان المبارک ۱۳۱۵" مَهر اعتماد السلطنه.

- بستان السیاحه تألیف زین العابدین شیروانی، به کتابت زین العابدین بن محمد شریف و سعی و اهتمام میرزا محمود تاجر کتابفروش خوانساری در تهران به سال ۱۳۱۵ ق. به



مطبوعات ۱۳۴۹

بیت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

۱۳۴۹

(بیت ۵) ۶۱۷۴

۱۳۱۵ مَهر اعتماد السلطنه.

به نظر می‌رسد قانون طبع تا ظهور مشروطیت، که وزارت انطباعات همچنان به کار خود ادامه می‌داد، از اعتبار اولیه برخوردار و تحت نظارت وزارتخانه مذکور بود، و احتمالاً این حق پس از آن به وزارت معارف^۲ انتقال یافته است. گواه بر این ادعا نسخه چاپ سنگی با عنوان *قانون مطبوعات* به کتابت عمادالکتاب است. این نسخه در محرم ۱۳۲۴ قمری در مطبعه میرزا علی اصغر در تهران مطبوع شده است. در این کتاب قوانین مطبوعات در شش فصل و پنجاه و

دو ماده و با حضور هشتاد و هشت نفر و به اظهار هفتاد و شش رأی تصویب و به امضاء و مَهر رئیس مجلس شورای ملی وقت، احتشام السلطنه [محمودخان احتشام السلطنه]، رسیده است. در آخرین ماده این قانون چنین نوشته شده است: "قوانین مندرجه در این قانون نامه مطبوعات در طهران از ده روز بعد از اینکه این قوانین بدستخط همایونی موشح شده باشد و در ولایات پس از یکماه مجری خواهد شد." در انتهای نسخه، اعلان رسمی وزارت معارف به این شرح دیده می‌شود:

"حق تألیف از برای مؤلفین و مصنفین کما فی السابق کلیه محفوظ است و بدون اذن مؤلف و مصنف کسی حق طبع کتب جدیدالتألیف و تصنیف را ندارد خاصه کتبی که حق طبع آنها با نظارت معارف محفوظ شده باشد." در بالای صفحه آغازین محل دستخط و مَهر تأییدیه شاه وقت بدین مضمون آمده است: (پیوست ۷)

"بسمه تبارک و تعالی. قانون مطبوعات بطوری که نوشته شده صحیح است و به همین طور اجرا شود پنجشنبه ۲۴ شهر محرم ۱۳۲۶."

به جهت ارزش مواد مندرج در این نسخه و ارتباط آن با چاپ و نشر دو ماده از این قوانین عیناً در ذیل می‌آید:

ماده پنجم: "از هر نسخه که بطبع می‌رسد چاپ کنند، دو نسخه برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات می‌فرستد. در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت

۲. سیر تحول اسامی وزارت معارف از ابتدا تا امروز این چنین است: وزارت علوم، وزارت معارف، وزارت اوقاف و صنایع مستظرفه، وزارت فرهنگ، وزارت آموزش و پرورش (۲: ۷۱۲).

علوم و در سایر بلاد وزارت علوم و اداره معارف می‌فرستند در هر صورت قبض رسید دریافت می‌کنند و در آن قبض باید عنوان کتاب و عده نسخ آن که بطبع رسیده مذکور باشد چاپ کنند به موجب این فصل ملتزم شرعی است که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد بسته به نظر حاکم قضیه".

ماده نهم: "در موقع انتشار هر یک از نمرات روزنامه دو نسخه روزنامه بامضای مدیر برای اداره معارف آن شهر که در آن طبع میشود و دو نسخه از برای کتابخانه و قرائت‌خانه ملی فرستاده می‌شود در صورت تخلف مدیر روزنامه پنجمتومان مجاناً دادنی خواهد بود. با توجه به منابع موجود در خصوص حق مؤلف، لازم است بازنگری مجدد در مطالب مربوط به حق مؤلف و حق طبع و تاریخ دقیق قانون آن در ایران صورت پذیرد".

منابع

۱. امامی، کریم. "حق مؤلف در ایران". ترجمه زهرا اباذری و فاطمه مهاجری. *دایرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ج ۱، ص ۷۶۱.
 ۲. *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه*. ج ۲: تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار: در احوال رجال دوره و دربار ناصری به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.
 ۳. "حق طبع". *دائرة المعارف فارسی [مصاحب]*. ج ۱، ص ۸۵۷-۸۵۸.
 ۴. سلطانی، پوری؛ راستین، فروردین. *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
- تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۷/۲۶

